



## ابعاد و شاخص‌های فرهنگی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ا

گزارش «بررسی و شناخت ابعاد و شاخص‌های فرهنگی سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» توسط علی‌اصغر جعفری و به سفارش معاونت توسعه مدیریت و منابع دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۵ تهیه و تدوین شده است.

مهم‌ترین نتایج این گزارش عبارت‌اند از:

نتایج این گزارش نشان می‌دهد که هم دولت فعلی (دولت تدبیر و امید) و هم دولت گذشته (دولت نهم و دهم) نسبت به بخش‌های مربوط به حوزه فرهنگ سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ نقدها و ابهامات جدی داشته و دارند. در سال ۱۳۸۷ طی مکاتبه‌ای دلایل عدم اجرائی شدن شاخص‌های احصاء و ابلاغ‌شده را به صورت مبسوط و در ۶ بند به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی وقت اعلام می‌نماید. طی سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ وزارت خانه در پاسخ به شاخص‌های اعلام‌شده از سوی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت اعلام می‌دارد که این شاخص‌ها نیازمند بازنگری مجدد با حضور نهادهای اصلی این بخش است. (صفحه ۱۴)

مهم‌ترین نقدهای این گزارش به بخش فرهنگ سند مذکور به‌قرار زیر است:

تدوین شاخص‌های مناسب برای هر یک از متغیرهای فرهنگی مندرج در سند بر اساس مبانی تئوریک صورت پذیرفته است. بدین معنا که برای تدوین شاخص در هر یک از امور سند چشم‌انداز باید بر اساس یک الگو ابتدا هدف نهایی مشخص شود و در ادامه متغیرها و مؤلفه‌ها تعیین و برای هر یک از آنها شرح شاخص، واحد اندازه‌گیری و نحوه محاسبه مشخص شود. درحالی‌که به نظر می‌رسد شاخص‌های مندرج در کتاب فقط تا سطح متغیرهای اصلی است.

سهم و نقش هر یک از نهادهای فرهنگی در شاخص‌ها دقیق و روشن مشخص نشده و اساساً از میان حدود ۳۵ تا ۴۰ دستگاه فرهنگی تنها به نام ۳ سازمان و نهاد فرهنگی اشاره شده است و بقیه نهادهای فرهنگی اصلاً نامی از آنها به میان نیامده است چه رسد به میزان سهم و نقش آنها در روند اجرای اهداف فرهنگی سند.

ترسیم اهداف فرهنگی سند چشم‌انداز به‌درستی تبیین نشده است به‌طوری‌که از میان ۱۳ مؤلفه فرهنگی مندرج در سند اعم از؛ ارزش‌های اجتماعی، دین‌داری، آزادی، امنیت، عدالت، هویت و... تنها بعد هویت آن برای حوزه فرهنگی در نظر گرفته شده است.

از میان ۱۲۳ شاخص احصاء شده در کتاب، تنها ۲۰ شاخص به حوزه فرهنگ اختصاص یافته و از این میان تنها ۹ مورد آن به‌صورت مستقیم به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان مرجع تولید آمار اشاره شده است.

ارتباط بین سیاست‌های کلان مثل سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ... با شاخص‌های احصاء شده در این کتاب مشخص نیست و اساساً ارتباط منطقی بین آنها نمی‌توان یافت.

ارتباط منطقی بین شاخص‌های احصاء شده بخش فرهنگ کتاب با شرح اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وجود ندارد.

کلی‌گوئی و عدم شفاف‌سازی در ابعاد نحوه محاسبه، روش جمع‌آوری، مقاطع سنجش و نحوه اندازه‌گیری شاخص‌های ارائه شده مشهود است.

ابعاد بین بخش متغیرهای فرهنگی سند از جمله، جامعه‌ای مسئولیت‌پذیر مؤمن، نهاد مستحکم خانواده، اصول و ارزش‌های دینی و انقلابی و... که در چند بعد قابل‌طرح هستند و ماهیت بین بخشی دارند، مبهم و نامشخص است.

در زمان تدوین و انتشار کتاب (۱۳۹۳) حداقل یک برنامه توسعه (برنامه چهارم) به انجام رسیده و یک برنامه در حال اجرا (برنامه پنجم) و یک برنامه (برنامه ششم) در حال تدوین است. همچنین سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در سال ۱۳۹۲ توسط مقام معظم رهبری نیز ابلاغ شده است، با این حال هماهنگی برنامه‌ها و سیاست‌های کلان با این سند مشخص نیست.

الزامات تحقق سند در بعد فرهنگ از جمله در سه دسته نرم‌افزار، سخت‌افزار و مغز افزار به‌درستی در این کتاب تبیین و جانمایی نشده است (صفحه ۱۵ و ۱۶).

این گزارش در نهایت به‌عنوان پیشنهاد برای اصلاح وضع موجود، ترسیم یک نقشه راه را با ویژگی‌های زیر مطرح می‌کند:

تعریف یک مسیر ارتباطی سه سویه بین مجمع تشخیص مصلحت نظام، شورای عالی انقلاب فرهنگی و دستگاه‌های فرهنگی از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ترجمان سند به شاخص‌ها و سازوکار سنجش شاخص‌ها به‌گونه‌ای که عرصه عملکرد را بتوان تا متن سند رصد کرد و تحقق اجزای سند را سنجید

تدوین یک نظام جامع تقسیم وظایف برای تحقق سند برای تمامی مکلفین از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی